

آگاهی حقوقی

به مناسبت کمپاین ۱۶ روزه منع خشونت علیه زن

ارگان نشراتی وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان

سال سیزده هم

شماره ۱۹۸

۳۰- قوس ۱۳۹۸

ازدواج زیر سن

- تتبع ونگارش: صفالرحمن سیفی

ازدواج عقد مقدس است که تمامی ادیان و نظام های حقوقی آنرا مورد پذیرش و حمایت قرارداده اند. مفهوم آن در لغت به معنی زناشویی بستن، زناشویی کردن، زناشویی و امتزاج طبایع است بعضی با بعضی که موجب پدید آمدن موالیدن گردد. در اصطلاح حقوقی، نکاح رابطه ای است حقوقی – عاطفی که به وسیله عقد بین زن و مرد حاصل میگردد و به آنها حق میدهد که با یکدیگر زندگی کنند.

از جمله شرایط لازمه ازدواج رسیدن به سن بلوغ است و بلوغ به معنی رسیدن، رسیده، رسا، رسیدن به حد رشد و در اصطلاح حقوقی: رسیدن طفل است به حال احتلام(در مرد) و حیض یا حمل(در مورد زنان). ابن عابدین گوید: "انتهاء حد الصَّغَر". بلوغ در ختنی (دو جنسه ها) زمانی محقق میشود که از عهده تشخیص سود و زیان خود برآیند.

قانون مدنی افغانستان سن بلوغ عقد ازدواج را برای دختران ۱۶ و برای پسران ۱۸ سالگی مقید نموده است، اما از علایم بلوغ چیزی را تذکر نداده است، بر اساس حکم فقره ۲ ماده ۱ قانون مدنی می‌توان از فقه حنفی استفاده کرد در مذهب حنفی علایم بلوغ برای پسران: احتلامی شدن، رویدن موی عانه(زیرناف) روئیدن موی صورت(خط و بروت) و از دختران: احتلامی شدن، حیض(عادت ماهوار) است. سن بلوغ مطابق آرای فقها در دختران از نه سالگی و از پسران در دوازده سالگی شروع میشود و در نهایت همه در سن پانزده سالگی بلوغ می‌گردند اما در مذهب حنفی سن بلوغ برای دختران ۱۷ و برای پسران ۱۸ سال ثابت شده است.

پرسش طوری مطرح میگردد که ازدواج زیر سن چیست و در فقه و حقوق چه حکم دارد؟ در پاسخ می توان گفت که در فقه اسلامی در باره ازدواج زیر سن دو نظریه مطرح شده است.

نظریه اول: عده از فقها بدین نظر اندکه نکاح زیر سن جواز ندارد، زیرا خداوند«ج» در آیه ۴ سوره نساء فرموده: «ایتام را آزمایش نمائید تا اینکه به سن نکاح برسند» دلیل دیگر اینکه هدف از عقد ازدواج رفع غریزه جنسی و تولید نسل است که این هدف از نکاح صغیر بر نمی‌آید.

نظریه دوم: اکثریت فقها(جمهور) قایل به جواز نکاح زیر سن اند و چنین استدلال می‌کنند. الله تعالی در آیه ۴ سوره طلاق برای صغیره مدت عدت را معرفی کرده که سه ماه می باشد. باید گفت عده زنان زمانی تحقق می باید یا مفهوم پیدا می‌کند که زوجین از هم جدا شده یا طلاق واقع شده باشد و در غیر آن ممکن نیست. برعلاوه خداوند«ج» در آیه ۳۲ سوره نور امر نموده است که « به شوهر دهید زنان ایم خویش را» ایم به زنانی اطلاق می شود که شوهر نداشته باشد اعم ا زاینکه صغیره باشد یا کبیره. از سوی دیگر حدیث عملی از پیامبر«ص» را دلیل می‌آورند که پیامبر«ص» با حضرت بی بی عایشه صدیقۀ «رض» ازدواج کرد در حالیکه بی بی عایشه در سن صغارت قرار داشت(نه ساله بود) و حضرت ابوبکر صدیق «رض» پدر بی بی عایشه به رضایت و صلاحیت خود این عقد را منعقد نمود. از سوی دیگر ازدواج ام گلثوم دختر حضرت علی«رض» با عروه بن زبیر زمانی صورت گرفت که او درسن صغارت بود و همچنان عقد ازدواج برادرزاده های زبیر در سن صغارت بوده. قانون مدنی راه میانه را اختیار نموده است طوری که ماده ۷۰ و ۷۱ بیان می‌دارد. سن قانونی برای ازدواج در دختران شانزده و در پسران هجده سالگی است، ازدواج دختر که سن پانزده سالگی را تکمیل نموده توسط پدر صحیح التصرف یا محکمه با صلاحیت جواز دارد، اما نکاح دختر که سن پانزده سالگی را تکمیل نکرده است به هیچ صورت جواز ندارد. منظور از کلمه صحیح التصرف این است که پدر شراپخور، مقمر(قمار باز) ، فاسق، دیوث، ابله گرد و نظیر اینها نباشد. اولیا و اقارب دیگر حق ندارند که دختر صغیره را به نکاح بدهند، زیرا مطابق حکم قانون مدنی صلاحیت به نکاح دادن بعد از پدر متوجه محکمه با صلاحیت میشود، بر مبنای قاعده فقهی وقانونی ؛ قاضی ولی کسی است که ولی ندارد.ولی در لغت به معنی دوست، صدیق، یار، صاحب، نگهبان، حافظ، آنکه از جانب کسی در کاری تولیت دارد، متصرف در امور کسی. در اصطلاح حقوقی: کسی که به حکم قانون اختیار دیگری یا دیگران را در قسمتی از امور دارا می باشد.

هرگاه ولی حکم ماده ۷۱ قانون مدنی را رعایت نکرده و دختر صغیره زیر سن پانزده سال را به نکاح داد حکم آن چیست؟

ادامه در صفحه ۲

ای کسانی که ایمان آورده‌اید برای شما حلال نیست که زنان را به اکراه ارث برید و آنان را زیر فشار مگذارید تا بخشی از آنچه را به آنان داده‌اید

[از چنگشان به در] برید مگر آنکه مرتکب زشتکاری آشکاری شوند

و با آنها بشاپستگی رفتار کنیدو اگر از آنان خوشتان نیامد

پس چه بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و خدا در آن مصلحت فراوان قرار می‌دهد.

سوره: النساء ، آیه: ۱۹

#نه_به_خشونت

#نه_به_ظلم_به_زن



منع آزارواذیت زنان از دیدگاه قانون

- تتبع ونگارش: دردانه فضاییلی

کردد که این امر موجب اضطراب و استرس شده و در پاره موارد تبدیل به یک کابوس آزار دهنده گردیده امنیت روانی را از زن سلب می نماید.

آزار و اذیت مانند ابزار برنده به تدریج روح و جسم زن را صدمه زده باعث می شوند زنان اعتماد به نفس خود را دست داده و ناگزیرگوشه نشین شوند. از طرفی هم ساختار فرهنگی و اجتماعی جامعه ما به گونه است که مردان علاوه بر محیط خانواده در همه جا احساس ریاست نموده و قدرت نمایی می نمایند و زنان را با مشکلات و مشقات عدیده مواجه می سازد .

هر چند که قانون منع خشونت و منع آزار و اذیت علیه زن نافذ شده است ولی با آن هم شکایت از آزار و اذیت مردان در محیط خا نواده و کار امریست که اغلب زنان از اینکه موضوع نسبتی شان افشا نشوند و یا انگشت نمای خلق نگردند از شکایت در همه جا احساس ریاست نموده و قدرت نمایی می نمایند و زنان را با مشکلات و مشقات عدیده مواجه می سازد .

متضررین آزار و اذیت زنان و اطفال اگر در اداره مربوطه آزار و اذیت شوند می توانند در شکایت خود را به اداره مربوطه ارایه نمایند چنانچه ماده هفدهم قانون مزبور در زمینه می نگارد:

هر گاه زن و طفل در اداره مورد آزار و اذیت قرار گیرد خود یا نماینده قانونی او می تواند به کمیته مبارزه با آزار و اذیت زنان و اطفال در اداره مربوطه شکایت نماید.

(۱) متضرر آزار و اذیت خود یا اقارب یا نماینده قانونی وی می تواند به ادارات، پولیس، محاکم، شورای ولایتی یا شورای ولسوالی یا سایر مراجع ذربط طور کتبی شکایت نمایند.

(۲) مراجع مندرج فقره (۱) این ماده مکف اند شکایت واصله را ثبت و مطابق احکام این قانون به آن رسیدگی نمایند.

منع خشونت علیه زن آزار واذیت را جرم تلقی نموده و برای مرتکبین آن مجازات در نظر گرفته است .

اذیت در لغت به معنای عذاب دادن و رنج دادن امده ، آزار در لغت به معنای رنج و شکنجه امده است.

آزار و اذیت در لغت هم معنی هستند و در اصطلاح و عرف قضایی نیز این دو معنای یکسان دارند هر چند که برخی حقوق دانان عقیده دارند که که آزار شدید تر از اذیت است.
هکذا قانون منع آزار و اذیت،طبق ماده سوم آزار واذیت را چنین بیان میدارد:

۱-آزار و اذیت : عبارت است از تَاس بدنی ، خواست نامشروع، آزار کلامی، غیر کلامی و یا هر عملی که موجب صدمه روانی ، جسمانی و توهین به کرامت انسانی زن و طفل می گردد.

۲-**خواست نا مشروع**: تقاضای مرد از زن و طفل به انجام عملی که انگیزه جنسی داشته باشد.

۳-**تَاس بدنی** : لمس کردن بدن زن و طفل به قصد ضرر یا آسیب رسانیدن سطحی بر بدن زن وطفل به طور عمدی است.

۴- **آزار کلامی** : به کار بردن کلمات ، جملات، شوخی ها و طنز های غیر اخلاقی ، توصیف از بدن زن، رفتار یا لباس و مزاحمت تلفونی است که به آرامش و امنیت روانی زن و طفل صدمه برساند.

۵-**آزار غیر کلامی** : به نمایش گذاشتن تصاویر یا مطالب توهین آمیز در رابطه به مسایل جنسی در رسانه ها و شبکه های اجتماعی یا ایمیل کردن، عکس گرفتن ، نشر ، پخش فلم، تصویر زن یا خانواده ها و سایر موارد به هر وسیله که باعث صدمه به شخصیت زن و طفل و سلامت روانی آنها گردد.

۶- **محلّات و اماکن عام**: فضای باز و یا بسته ای که افراد حق رفت و آمد داشته باشند.

در کل خشونت وازار و اذیت کلامی و یا غیر کلامی موجب صدمه زدن به روح و روان زن می

کند. (ماده هفتم قانون اساسی)
قابل یاد آوریست که اعلامیه جهانی رفع خشونت علیه زنان خشونت را ذیلا تعریف نموده است:" خشونت به معنای هر گونه عمل خشونت آمیز بر مبنای جنسیت است که باعث بروز آسیبهای جسمی ، جنسی و روانی یا رنج و آزار زنان از جمله تهدید به انجام این اعمال ، محرومیت های اجباری یا اختیاری از آزادی در زندگی خصوصی و اجتماع می شود."

بنا بر این گفته می توانیم که تبعات منفی خشونت علیه زنان نیازمند یک مبارزه همگانی و مداوم اتباع و حکومت را می طلبد و ایجاب می کند که دولتمردان کشوربا وضع قوانین در این مورد از زنان حمایت نموده و شهروندان نیز قوانینی را که در راستای منع خشونت علیه زنان تدوین می شود مراعات نمایند.

انواع خشونت و مصادیق آن در قانون منع خشونت علیه زن و قانون منع آزار و اذیت زنان واطفال دسته بندی شده و جرم تلقی گردیده است به عبارت دیگر ماده پنجم قانون منع خشونت علیه زن بیست و دو مورد را از زمره مصادیق خشونت شمرده و برای مرتکبین آن مجازات ت تعیین نموده است. در این قسمت به بررسی منع آزار و اذیت که یکی از مصادیق خشونت علیه زن بشمار می رود می پردازیم:

اسناد بین المللی که در این زمینه تصویب شده است دولتها را مکلف ساخته تا برای رفع تبعیض و خشونت علیه زنان اقدامات مقتضی و عملی را روی دست بگیرند ناگفته نباید گذاشت که افغانستان از جمله کشورهای است که اعلامیه رفع خشونت علیه زن و کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زن را امضاء نموده است. بنا برین ملزم است که تدابیر و اقدامات لازم را در جهت منع خشونت علیه زن روی دست بگیرد. دولت منشور ملل متحد، معاهدات بین الدول ، میثاق های بین المللی که افغانستان به آن ملحق شده است و اعلامیه جهانی حقوق بشر را رعایت می

یکی از معضلات عمده جامعه ما خشونت علیه زنان می باشد پدیده خشونت علیه زنان تنها در کشور های اسلامی دیده نمی شود بل یک معضل جهانی محسوب شده است. زنان در زندگی خانوادگی و اجتماعی شان به دلایل گوناگون به نحوی از انحاء مورد آزار و اذیت روانی ، جسمی و جنسی واقع شده و می شوند.

خشونت علیه زنان در جوامع مختلف بستگی به عوامل متعدد اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی و اقتصادی آن کشور دارد اما در کل گفته می توانیم که دلیل اصلی آن تسلط مردان بر سرنوشت زنان ، نظامهای مرد سالارانه و فقدان استقلال اقتصادی زن می باشد.

در جامعه افغانستان پدیده خشونت سابقه طولانی داشته و زنان علاوه بر خشونت از سوی همسر از طرف پدر ، برادر در پاره موارد حتی از ناحیه فرزند پسر مورد خشونت قرار گرفته و رنج می برند.

تجربه تا بت نموده است بد آموزیهاییکه از این ناحیه نسل به نسل انتقال می یابد موجب کاهش اعتماد به نفس زنان شده و به توانایی جسمی و روانی وی صدمه می زند که این امر دولتها را دچار مشکلات عدیده فرهنگی ، اجتماعی ، اقتصادی ساخته است زیرا زنان نیمه از پیکر جامعه محسوب می گردد .

اسناد بین المللی که در این زمینه تصویب شده است دولتها را مکلف ساخته تا برای رفع تبعیض و خشونت علیه زنان اقدامات مقتضی و عملی را روی دست بگیرند ناگفته نباید گذاشت که افغانستان از جمله کشورهای است که اعلامیه رفع خشونت علیه زن و کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زن را امضاء نموده است. بنا برین ملزم است که تدابیر و اقدامات لازم را در جهت منع خشونت علیه زن روی دست بگیرد. دولت منشور ملل متحد، معاهدات بین الدول ، میثاق های بین المللی که افغانستان به آن ملحق شده است و اعلامیه جهانی حقوق بشر را رعایت می

ازدواج زیر...

قانون مدنی در این باره سکوت اختیار نموده، اما قانون احوال شخصیّه اردون چنین عقد را فاسد دانسته است. به تاسی از حکم فقره ۲ ماده ۱ قانون مدنی که چنین اصدار می‌دارد. در صورت که حکم در قانون پیدا نشد به فقه حنفی مراجعه شود تا عدالت به بهترین وجه آن تطبیق گردد. در فقه حنفی چنین آمده که به نکاح دادن صغیره توسط پدر و پدركلان جایز و صحیح است، حتی اینکه صغیره بعد از بلوغ یا جوانی حق فسخ عقد را ندارد. در صورت که نکاح دهنده یا ولی غیر از پدر باشد دختر حق فسخ عقد را دارد و هرگاه چنین عقد در زمان کودکی یعنی تولد یا گهوارگی رخ دهد، عقد نکاح الی زمان بلوغ و رشد موقوف است.

بند ۲ ماده ۷۱ قانون مدنی که از نظر ابن شبرمه عثمان، ابوبکر بن اصم و جابر بن زیدالیحمدی الازدی پیروی کرده، عقد نکاح زیر سن ۱۵ سال را طور قطعی جایز ندانسته حتی اگر توسط پدر و محکمه هم صورت گرفته باشد. زیرا فقهای مذکور عقد نکاح صغیره را باطل میدانند. قانون عاّله عثمانی نیز ازدواج اطفال را ناجایز دانسته است.

ماده ۲۸ قانون منع خشونت علیه زن نکاح زیر سن(نکاح صغیره) را ناجایز دانسته و حتی برای کسیکه چنین کار را انجام بدهد یعنی دختر صغیره را به نکاح بدهد مجازات را مقرر داشته است. « هرگاه زن را که سن قانونی ازدواج را تکمیل نه نموده است و بدون رعایت حکم مندرج ماده(۷۱) قانون مدنی، به عقد نکاح در آورد حسب احوال به حبس متوسط که از دو سال کمتر نباشد، محکوم و نکاح در صورت مطالبه زن، مطابق احکام قانون فسخ میگردد.» به نظر می رسد که متن ماده بصورت عام ذکر گردیده است و هر کسیکه زن زیر سن را به نکاح بدهد حتی پدر باید مجازات شود، از سوی دیگر خود عقد نکاح صحیح است در صورت که دختر تقاضا کند با رعایت احکام قانون مدنی عقد نکاح فسخ می گردد.

کمان میرود که ماده فوق تناقض با نظریات فقها دارد، از منظر فقه پدر در قبال فرزندان خود کامل الرای و وافرالشفقت است، هیچ پدری نیست که بدی و مشکلات فرزند خود را بخواهد، هرچه را که پدر انجام میدهد به مصلحت فرزند است. خوب است تا در متن ماده قانون صلاحیت پدر استثنا قرار گیرد و شامل مجازات های مقرر نشود، معمولاً مجازات بالای کسی اجرا شده که عقد نکاح صغیره را بدون داشتن صلاحیت منعقد نموده است.

وضعیت اجتماعی نکاح صغاردر افغانستان طور است که مردم به دو گروه تقسیم شده گروه موافقان و گروه مخالفان.

گروه موافقان: از منظر اینها نکاح صغار **که توسط ولی** صورت میگیرد یک مصلحت و ضرورت اجتماعی است، در کل نمی توان آنرا محدود کرد یا نادیده گرفت، روایات و قضایای سلف را دلیل بر جواز آن میدانند.

گروه مخالفان: اکثریت این گروه را مدافعان حقوق زن و اطفال تشکیل میدهد و چنین نظردارند؛ ازدواج زود هنگام کودکان به خصوص دختران اثرات ناگوار برخورد دختران و پیامدهای منفی زیادی بر خانواده و جامعه دارد. این گونه ازدواج ها فرصت طلایی فراغت دوران کودکی را از کودکان میکیرد و مانع تدوام تحصیل شان میگردد. در کل ازدواج زیر سن در افغانستان دارای نواقض ذیل است:محرومیت از ادامه تحصیل، فقر و بی کاری، پی نردن به مفهوم زندگی، ناتوانی در تربیه اطفال، احتمال مرگ هنگام ولادت و احساس حقارت وناتوانی.

در نتیجه ازواج صغیر در ماهیت و اساس مشکل ندارد، نباید آنرا ممنوع پنداشت، ضروریات اجتماعی است اما در صورت که شرایط لازمه و معیارهای اخلاقی رعایت نشود یا افراط صورت گیرد باید آنرا محدود ساخت و از سوی دیگر ازواج زیر سن زمانی منجر به خشونت می شود که ولی یا نکاح دهنده غیر پدر بوده و خلاف عرف و عادات رفتار نماید یا هدف به نکاح دادن صغیره شخصی بوده باشد و هیچ مصلحت برای صغیره نداشته باشد.

هرگاه دروازه ازدواج زیر سن را ببندیم، چالشهای زیادی در جامعه بروز میکند ؛مانند بلند رفتن سن ازدواج، افزایش روابط نامشروع مانند جوامع غربی، اختلالات روانی و تنشهای خانوادگی.

منابع و مآخذ

قرآنکریم

احادیث نبوی

کتاب حقوق فامیل نظام الدین عبدالله

کتاب حقوق خانواده عبدالحسین رسولی

قانون مدنی افغانستان

قانون منع خشونت علیه زن

مقالات حقوقی



حقوق مالی زن

۳-نکاحی که در آن مهر تعیین می گردد باید صحیح باشد :یعنی تعیین وتسمیه مهر در نکاح فاسد صحت ندارد.

۴- مالی که مهر تعیین می شود باید قابل تسلیم باشد .

۵-از اقل مهر (ده درهم ویا معادل آن) کمتر نباشد : مهر اگر از ده درهم کمتر باشد تسمیه مهر ملغی ومهر مثل لازم می گردد.در زمینه ماده ۱۰۰ قانون مدنی چنین تصریح میدارد: " مال قابل تملک، مهر تعیین شده می تواند ".

انواع مهر :

مهر سه نوع است : مهر مسمی ،مهر مثل ومتعه.

الف - مهر مسمی : مهری مسمی آن است که در حین عقد نکاح، توسط طرفین عقد تعیین ومشخص شده باشد که در این صورت مهر مسمی قابل پرداخت می باشد. ماده ۹۹ قانون مدنی میگوید :
"زوجه،مستحق مهر مسمی می باشد ".

ب-مهر مثل : وقتی که در عقد نکاح مهر مسمی تعیین نشده باشد ویا به هر دلیل دیگری عملی نشود در این صورت مهر مثل لازم می گردد.

مهر مثل علاوه برشروط عمومی دارای شروط ذاتی میثالت (که قید اقارب پدری را شرط میدانند یا اوصاف خاص که دارد) وشروط ثبوت میثالت(مقایسه زن با همتایش وتثبیت مهرمثل)که از وظایف محکمه است تقسیم می گردد.

ج- متعه: در صورتی که مهر مسمی ویا مهر مثل بنا به علتی ساقط گردد اما با آنهم زن به مجرد بستن عقد ازدواج تا حدود به تعهد خود در برابر زوج عمل کرده است واگر قبل از اینکه مرد باوی همبستر شود منجر به جدایی گردد در نتیجه،حیثیت ولحاظ شریعت در برابر این خسارت معنوی که زن وشخصیت وی تا حدودی خدشه دار میگردد ،لذا از لحاظ شریعت در برابر این خسارت معنوی که زن دیده است برای زن مقداری مالی را در نظر گرفته است که بنام متعه (البسه معمولی)یادمی گردد.

نفقه:

نفقه در لغت از کلمه نفوق ویا انفاق گرفته شده است وبه معنی هلاک واز بین رفتن است به این دلیل نفقه میگویند که با مصرف ،مال از بین میرود.اما در این جا مراد از نفقه ،نفقه که معنی هلاک ویا ار بین رفتن را بدهد نیست ،بلکه مراد از آن عبارت از آنچه که مرد بر همسر خود مصرف میکند، میباشد.

در اصطلاح شریعت :آنچه که مرد از طعام ،پوشاک ،مسکن ومتعلقات آن برای زنش به مصرف می رساند نفقه نامیده می شود .

در اصطلاح فقها ، نفقه فقط شامل طعام وتوابع آن میباشد .

نفقه یکی از حقوق مالی زن بشمار می رود که به ذمه شوهر واجب است. مشروعیت نفقه را فقه اسلامی بر اساس قرآن ،سنت واجماع ثابت نموده است . چنانچه خداوند در سوره نساء آیه(۵) فرموده است: ترجمه :
"وبخورانید ایشان را از آن وبپوشانید ایشان را "
در جای دیگری می فر ماید "برذمه پدر است طعام وجامه مادران "همچنان خداوند (ج) فرموده است "سوره بقره آیه ۲۲۸ : (وزنان حقدارند همان گونه که مردان بر آنها حق دارند ومردان را بر زنان برتری است نسبت انفاق شان)

سنت: حدیث پیامبر (ص) چنین آمده است. ترجمه "ـ معاویه قشیری گفت نزد رسول الله (ص) آمدم وگفتم :در مورد زنان ماچی می فرمایید ؟فرمود : از آنچه می خورید به آنها طعام بدهید ، واز آن چه می پوشید به آنها نیز ببوشانید، وآنان را نزنید وتقبیح نکنید."



خشونت علیه زنان را متوقف کنید

خشونت علیه زنان در هیچ کجای جهان نباید با آداب و رسوم و سنت ها، و باورهای مذهبی توجیه شود

از مصوبات سازمان ملل متحد

- تتبع ونگارش:عبدالرحمن عظیمی

با بررسی آیات ونصوص میراث در قرآن کریم در می یابیم که سهم و نصیب میراث زن اکثر و بیشتر بشکل فرض بوده است، نه تعصیب. واین امر بدون شک از یکطرف حکمتهای الهی و از طرف دیگر نظر مخصوص اسلام رادر مورد زن منعکس می سازد.

یکی از راه های تامین عدالت و احقاق حقوق افراد در اجتماع، اعاده حقوق مالی و توانمندی اقتصادی زنان است که اسلام توجه زیادی به پشتیبانه اقتصادی زنان مبذول داشته و فقه از حقوق مالی زن در شریعت به وضوح نام برده و به طور کل منابع عمده اقتصادی زنان را مهر ، نفقه ، ارث ، جهیزیه و فعالیتهای اقتصادی (بیرون و درون) خانه ذکر کرده است .

حالاتیکه زن بیشتر از مرد میراث میبرد:

در برخی حالات زنان بیشتر از مردان میراث میبرند که نمونه های ذیل را میتوان بطور مثال تذکر داد:

۱ -شخصی میبرد و از وی دختر ، مادر و پدر باقی ماند. پس سهم دختر نصف مال و سهم مادر یک بر شش و مال باقی مانده را پدر بر اساس عصبه بودن تصاحب مینماید، پس سهم دختر در اینصورت بیشتر از سهم پدر می باشد.

۲-زنی میبرد و از وی دختر، شوهر، پدر باقی ماند پس نصف به دختر و یکی بر چهار به شوهر، و باقی به پدر تعلق میگیرد و در این صورت نیز سهم دختر از سهم شوهر و پدر بیشتر میشود.

۳ - اگر مرد میبرد و از وی دختر و دختر پسر و پدر باقی ماند پس به دختر نصف و به دختر پسر یکی بر شش باقی مانده به پدر که عصبه است تعلق میگیرد.

۴ -مردی میبرد و از وی یک دختر، پسر پسر و مادر باقی ماند پس به دختر نصف و به مادر یک بر شش و به پسر پسر مال باقی مانده داده میشود.

۵-مردی میبرد و از وی همسر، یک دختر و برادر باقی ماند پس به همسر یکی بر هشت به دختر نصف ترکه و باقیمانده به برادر میت تعلق میگیرد.

۶ - زنی میبرد و از وی شوهر ، مادر و پدر کلان و جمعی از برادران مادری و پدری مانند نصف به شوهر و برای هریکی از مادر و پدر کلان یکی بر ششم و باقی مانده به برادران پدری تعلق میگیرد و برادران مادری محجوب اند.

در اخیر به این نتیجه می رسمیم نظام مالی را که اسلام برای زن وضع و مقرر نموده است نه تنها اینکه یک نظام منطقی و حکیمانه است بلکه نظام کاملاً عادلانه و مبنی بر عدالت و انصاف است. زیرا اسلام در قدم اول وارثین شرعی و قانونی شخص متوفی را معرفی نموده، سپس سهم هریکی را به اساس چگونگی پیوند و قرابت ایشان با میت و نیز بر اساس اوضاع اجتماعی هر یکی مشخص و معین نموده است. دین اسلام زمانیکه نصف میراث مرد را برای زن اعطاء نموده است، از زن بار سنگین خرج و انفاق، تکالیف و زحمات کار و فعالیت بیرون از خانه را بر داشته و زن را در هیچ حالتی حتی در هنگام داشتن مال و ثروت به کار وانفاق مکلف ننموده است. پس در نظام اسلامی تمام لوازم و مخارج زندگی از دوش زن، چه دختر باشد و یا خواهر، همسر باشد یا مادر برداشته شده و به عهده پدر و برادر، شوهر و اولاد وی گذاشته شده است.

منابع و مآخذ:

- قرآنکریم.

- احادیث نبوی.

- قانون مدنی.

ادامه دارد

تجاوز...

- فیض الله خواجه آمانی

"هرگاه تجاوز جنسی بالای مجنی‌علیه توسط بیش از یکنفرارتکاب یابد، هریک از مرتکبین با رعایت احکام مندرج اجزای ۵و۴ ماده ۱۷۰ این قانون حسب احوال به اعدام یا حبس دوام محکوم می گردند."

-درماده ۵۹۵کودجزاء،پیرامون مجازات تجاوز جنسی بالای مجنی‌علیه جرم اختطاف چنین آمده :

هرگاه در نتیجه جرم اختطاف ، مجنی علیه مورد تجاوز جنسی نیز قرار گرفته باشد، مرتکب با نظر داشت احکام تعدد جرایم مندرج این قانون، به مجازات محکوم می گردد.

تعدد جرایم را کود جزاء در ماده (۷۳) چنین شرح داده است :

"هرگاه ارتکاب جرایم متعدد در نتیجه افعال متعدد صورت گرفته باشد وتا

مین هدف واحد، جرایم مذکور را طوری با هم جمع کرده باشد که تجزیه را قبول نکند، محکمه به جزاهای پیش بینی شده هریک از جرایم حکم نموده وتنها به تنفیذ شدید ترین جزای محکوم بها تصریح می دارد. این امر مانع تنفیذ جزا های تبعی ، تکمیلی وتدابیر تأمینی نمی گردد.

غرض وضاحت بیشترموضوع لازم است تا جزاهای تبعی، تکمیلی وتدابیر تأمینی را که در کود جزاء از آنها تذکر داده شده ، شرح دهیم :

- جزای تبعی را ماده (۱۷۱) کود جزاء ،چنین تذکر داده است:

" جزای تبعی مجازاتی است که به تبعیت از جزای اصلی بالای محکوم علیه به حکم قانون تطبیق می گردد، بدون اینکه در حکم محکمه به آن تصریح شده باشد."

مثلاً : کسیکه بیشتر از ده سال به خاطر جرم مرتکبه اش از طرف محکمه ، محکوم گردد بدون اینکه در حکم محکمه تذکر داده شود ، محکوم خود بخود از کاندید شدن در عهده های انتخاباتی ، عضویت در هیئت مدیره شرکتها ، خدمت در قوای سه گانه دولتی ...وغيره محروم میگردد.

-جزای تکمیلی را ماده (۱۷۸) کود جزاء، چنین مینگارد:

"جزای تکمیلی مجازاتی است که علاوه بر جزای اصلی در حکم محکمه تصریح گردیده باشد."

مثلاً: محرومیت ازاخذ واستفاده نشانها ، مدالها ، والقاب افتخاری ، محرومیت از عضویت در هیئت مدیره شرکتها ، بانک ها وموسسه ها به سبب جرایم فساد اداری ، محرومیت از وصایت ، وکالت وقیمومیت درمعاملات ودعاوی ...وغيره .

-ماده- (۱۸۴) کود جزاء، در رابطه به تدابیرتأمینی چنین مشعر است :

"تدابیر تأمینی عبارت ازاقداماتی است که از طرف محکمه ذیصلاح، جهت تربیت یا اصلاح متهم یا محکوم ، انطباق مجددوی به حیات اجتماعی یا جلوگیری ازوقوع وتکرار جرم با نظر داشت حالت خطر ناک بودن متهم یا محکوم اتخاذ ودر فیصله ذکر می گردد."

مانند: تدابیر سلب کننده آزادی ، تدابیر تحدید کننده آزادی، تدابیر سلب کننده حقوق وتدابیرمالی واقتصادی .

از تحریر مطالب فوق به این نتیجه می رسم که جرم تجاوز جنسی از جرم زنا فرق داشته ،مجازات آنها هم در کود جزاء تفاوت دارد. چنانچه در قسمت تعیین جزاء در باره مرتکبین تجاوز جنسی علاوه از ذکر حالت مشدده تذکر داده شده که تطبیق جزای اصلی بالای مرتکبین تجاوز جنسی مانع تطبیق جزا های تبعی ، تکمیلی وتدابیر امنیتی نمی گردد که فوقاً همه جزاء ها تذکر داده شد.

منابع وماخذ :

قانون منع خشونت علیه زن .

کود جزاء .

جریده رسمی غیر مسلسل (۱۲۸۶) حوت ۱۳۹۶ .

ممنوعیت خشونت علیه زن از دیدگاه شریعت وقانون. سازمان بین المللی انکشاف حقوق -

هر چند موارد آزار و اذیت در سطح جامعه بسیار است ولی متأسفانه به نسبت حاکمیت فرهنگ سنتی جامعه زنان به موجب اینکه آبرو و حیثیت آنان خدشه دار نگردد در اغلب موارد مرتکبین آزار و اذیت شکایت به مراجع عدلی و قضایی شکایت نمی کنند.

مندرجات قانون منع آزار و اذیت با توجه به شرایط و کویاف ارتکاب جرم آزار واذیت مرتکبین آزار و اذیت محکوم به پرداخت جریمه نقدی به میزان از ۵۰۰۰ افغانی الی ۲۰۰۰۰ افغانی می گردد. علاو بر آن در حالات تشدید ارتکاب جرم آزار و اذیت علیه زنان مرتکب حسب احوال به سه تا شش ماه زندان محکوم می گردد. چنانچه ماده ۲۶و ۲۵ قانون منع آزار و اذیت به ترتیب در زمینه احکام آتی را پیش بینی نموده است:»
هر گاه شخصی مرتکب آزار و اذیت زنان یا اطفال در محلات و اماکن عام، وسیال نقلیه عمومی و یا هر محل دیگری به اساس شواهد و قرائن اثباتیه گردد، حسب احوال از پنج هزار افغانی تا ده هزار افغانی جزای نقدی توسط محکمه محکوم می گردد».

هر گاه شخصی مرتکب آزار و اذیت زنان در مراکز کار و تحصیل گردد در صورت اثبات جرم آزار و اذیت مرتکب به دو برابر جرم آزار و اذیت در اماکن عمومی به جزای نقدی محکوم می گردد. صراحت ماده ۲۶ را در این زمینه ذیلا مطالعه می کنیم:»
هر گاه شخصی مرتکب آزار و اذیت زنان یا اطفال در محل کار، مراکز تعلیمی و تحصیلی یا مراکز صحنی گردد ، حسب احوال به جزای نقدی بیش از ده هزار (۱۰۰۰۰) تا بیست هزار (۲۰۰۰۰) افغانی توسط محکمه محکوم می گردد».

بعد ثبت شکایت آزار و اذیت شاکی می تواند در مراحل بررسی شکایت از شکایت خود منصرف شود در این باره ماده ۲۳ قانون متذکره ذیلا تصریح می دارد:

«(۱)شاکی می تواند در مراحل بررسی شکایت و تعقیب عدلی (کشف ، تحقیق و محاکمه) از شکایت خود طور کتبی انصراف نماید.در این صورت رسیدگی به شکایت و دعوی و تطبیق جزاء متوقف می گردد.

(۲) مراجع رسیدگی به شکایت در حالت مندرج فقره (۱) این ماده بعد از حصول اطمینان از اینکه انصراف کاملا به رضایت و بدون اکراه صور ت گرفته است موضو ع را به اداره مربوط اطلاع می دهد.

(۳) هر گاه شاکی به منظور رسیدگی و ارایه دلایل مرتبط به شکایت در خلال مدت پنج روز کاری بدون عذر موجه به مرجع رسیدگی به شکایت حاضر نگردد اوراق حفظ می گردد.

(۴)هر گاه ثابت شود که شاکی از شکایت خود قصد سوء یا کسب منفعت غیر مشروع را دارد مرجع رسیدگی به شکایت موضوع را به اداره ذیصلاح راجع و اداره مذکور مطابق اسناد تقنینی مربوط به تادیب وی تصمیم اتخاذ می نماید.»
نا گفته نباید گذاشت که برای جلو گیری از آزار و اذیت زنان و تأمین امنیت روحی و روانی زن مطابق ماده ۱۴ قانون منع آزار و اذیت وزارت عدلیه مکلف به انجام وظایف ذیل می باشد:
۱-بلند بردن سطح آگاهی شهروندان در رابطه به حقوق و وجایت شرعی و قانونی زنان و اطفال.
۲- تدویر سمینار ها و ورکشاپها جهت آگاهی کارکنان ادارات حقوق و مساعدتهای حقوقی مطابق احکام این قانون و فراهم نمودن زمینه تطبیق بهتر آن.

۳-توظیف مساعد حقوقی برای متضرر آزار و اذیت در صورت نداشتن وکیل مدافع.
۴-نشر، تکثیر و توزیع مجانی این قانون در تمام ادارات.

قانون مزبور وظایف وزارت داخله را در ماده دهم مشخص نموده و این وزارت را مکلف به تنظیم گزمه های سیار پولیس در جاده ها و اماکن عمومی نموده است .
همچنان این وزارت مکلف به فراهم نمودن محیط امن و مصون از آزار و اذیت در محلات عام بوده ضمنا موظف است که یک شماره تلفون خاص را جهت دریافت شکایات مربوط به آزار و اذیت زنان ایجاد نموده تا در اسرع وقت انجام وظیفه نمایند.

قابل یاد آوریست که قانونگذار به موجب اتخاذ تدابیر وقایوی غرض جلوگیری از آزار و اذیت زنان کمسیون عالی جلوگیری از آزار و اذیت زنان و اطفال را در سطح کشور با حضور معاونین لوی سارنوالی و وزارت خانه های امور داخله، ارشاد حج و اوقاف، عدلیه ، صحت عامه ، اطلاعات و فرهنگ، معارف ، تحصیلات عالی، امور زنان، نمایند به صلاحیت کمسیون مستقل حقوق بشر، نمایند ستره محکمه وغاینده انجمن مستقل وکلای مدافع ایجاد نموده است.
همچنان قانونگذار وظایف و صلاحیتهای این کمسیون را در ماده ششم قانون منع آزار و اذیت مشخص نموده که ذیلا صراحت ماده مذکور را می نگرایم :

کمسیون عالی منع آزار و اذیت زنان و اطفال دارای وظایف و صلاحیت های ذیل می باشد:
۱-مطالعه و ارزیابی عوامل ارتکاب آزار و اذیت زنان و اطفال در کشور و اتخاذ تدابیر وقایوی جهت رفع آن.

۲-طرح پروگرام های تبلیغاتی و آگاهی عامه به منظور جلوگیری از ارتکاب آزار و اذیت زنان و اطفال .

ازدواج های ...

زوج منع نماید زیرا این عمل کرد خلاف شریعت وقانون است طبق حکم قانون منع خشونت عمل مذکور جرم است.چنانچه ماده بیست وهفتم قانون مذبور در مورد ممانعت از حق ازدواج بیان می داردکه: "هرگاه شخص مانع ازدواج زن گردد یا حق انتخاب زوج را از وی سلب نماید، حسب احوال به حبس قصبر محکوم می گردد."

در کشور ما بد بختانه زنان مثل امتعه وشى وسیله خرید وفروش مردان قرار می گیرند به خصوص در وقت تنگدستی ویا هم در میدان قماربازی وقتی پول خود را باختند، بدون در نظر گرفتن کرامت انسانی، خواست وحقوق زن که بعد چگونه زندگی خواهند داشت یا جانب مقابل چگونه شخصیت دارد زنان ،دختران ویا خواهران خویش را درعقد نکاح آنها بصورت جبری در آورده آنها را بد بخت می سازند.

در مورد خرید وفروش زن به منظور یا بهانه ازدواج ماده بیست وچهارم قانون منع خشونت ذیلا می نگارد: "شخصی که زن را به منظور یا بهانه ازدواج به فروش رساند یا خریداری یا در آنها وساطت نماید،حسب احوال به حبس طویل که از ده سال بیشتر نباشد، محکوم می گردد."

بد دادن زن :

بد دادن زنان یک عرف ناپسند خلاف شریعت وقانون است. بد بختانه این عرف در کشور ما رایج بوده که باعث انواع ظلم، ستم، تعدی وخشونت های خانوادگی بر زن بد داده شده می شود. بد دادن درموضعاتی چون قتل ،نزاع عداوت و دشمنی برمسایل مختلف میان دوفامیل ،قوم ویا قبیله صورت می گیرد. بطور مثال وقتی قتل از طرف یکی ازاعضای فامیل صورت گیرد بخاطر به میان آمدن آشتی واخوت بین دوفامیل باید زن بنام بد قربانی شود ویا در اثر عداوت ودشمنی که میان دوقوم یافامیل وجود دارد بخاطر بهتر شدن مناسبات ورفع دشمنی باید زن به بد داده شود ویا دراثر فرار دادن زن توسط برادر، باید خواهر بچه که دختر را فرار داده به یکی از اعضاء فامیل دختر بصورت جبری داده شود.

به اقتضای عرف وعادات، فرار دختر از منزل به مثابه ای هتک حرمت فامیل وی تلقی می گردد از آنجای که اغلباً در قبال فرار دختران از منزل به شکلی از اشکال مردی دبدخل می باشد ، این عمل موجب ایجاد عداوت میان خانواده ها می گردد وجهت رفع عداوت میان فامیل های دبدخل ، بزرگان و منتفذین محل ویا قوم تشکیل جلسه داده وخواهر پسر را که با دختر فرار کرده است به فامیل دختری که با پسر فرار کرده است به بد می دهند.با لایخره در اثر فراردختر با برادر، خواهر پسر که دختر را فرار داده است قربانی (بد) شود. بد دادن که به مقتضای آن مسایل مختلف چون قتل ،حل منازعات فامیلی

۳- تأمین هماهنگی فعالیتهای ادارات دولتی و غیر دولتی ذریبط در امر مبارزه علیه آزار و اذیت زنان و اطفال.

۴- جمع آوری احصاییه و ارقام جرایم آزار و اذیت زنان و اطفال.

۵- ارایه پیشنهاد مبنی بر تعدیل احکام این قانون.

۶- پیشنهاد مقررره و وضع لوایح و طرز العمل های مربوط به منظور تطبیق بهتر احکام این قانون.

۷- مطالبه معلومات در مورد قضایای آزار واذیت زنان و اطفال از پولیس، سارنوالی و محکمه.

۸- ترتیب گزارش سالانه اجرات در مورد آزار و اذیت زنان و اطفال و ارایه آن به کابینه جمهوری اسلامی افغانستان و شورای ملی .

علاوه بر ان قانون متذکره کمیته های مبارزه با آزار و اذیت زنان و اطفال را همراه با ترکیب ان که باید در تمامی ادارات ایجاد شود در ماده هفتم قانون مزبور معین کرده است که ذیلا به آن اشاره می نمایم:

(۱)ادارات مکلف اند غرض جلوگیری از آزار و اذیت زنان اطفال کمیته مبارزه با آزار و اذیت زنان و اطفال را در خلال مدت سه ماه بعد از انفاذ این قانون در داخل اداره مربوطه ایجاد نمایند.

(۲) کمیته مبارزه با آزار و اذیت زنان و اطفال مرکب از سه عضو بوده که حد اقل یکی عضو از آنها زن می باشد.

(۳) در تعیین اعضای کمیته علاوه بر تحقق سایر شرایط استخدام فراغت از پوهنهی حقوق و شریعات ارجحیت داده می شود.

۴-به هشتم قانون منع آزار و اذیت زنان و اطفال وظایف و صلاحیتهای کمیته های مبارزه با آزار و اذیت زنان و اطفال ذیلا تصریح گردیده است :

۱-دریافت شکایات مربوط آزار و اذیت زنان و اطفال در اداره مربوطه.

۲-بررسی شکایات واصله .

۳-اطلاع کتبی به مدعی علیه راجع به شکایت شاکی در خلال مدت حد اکثر سه روز.

۴- احاله شکایاتی که ایجاب تعقیب عدلی را میکند به سارنوالی مربوطه بعد از تأییدی آمر اعطای درجه اول.

۵- همکاری با شاکی در تعیین مساعد حقوقی.

۶-پیگیری شکایات محوله درمراجع عدلی و قضایی جهت اطمینان از رسیدگی به موقع آنها.

۷- ارایه گزارش ربعوار به وزارت امور زنان.

وزارت امور زنان که در کشور ما اختصاص به زنان یافته است بیانگر اهتمام و توجه به این قشر مظلوم جامعه می باشد وظایف وزارت امور زنان در ماده نهم قانون منع آزار و اذیت ذیلا صراحت یافته است:

۱-هماهنگی با ادارات در ایجاد کمیته های مبارزه با آزار و اذیت زنان و اطفال.

۲- نظارت از کمیته های مبارزه با آزار و اذیت زنان و اطفال که در داخل ادارات ایجاد گردیده اند.

۳- بررسی گزارش ربعوار کمیته های مبارزه با آزار و اذیت زنان و اطفال.

۴- بلند بردن سطح آگاهی عامه غرض جلوگیری و کاهش آزار و اذیت زنان و اطفال با استفاده از وسایل ممکنه.

۵- ایجاد بانک معلوماتی غرض ثبت و درج موارد آزار و اذیت زنان و اطفال .

۶- ایجاد کمیته ها در شورای ولایتی و ولسوالی :

کمیته های مبارزه با آزار و اذیت زنان علاوه به مرکز در ولایت و ولسوالی ها نیز ایجاد می گردد چنانکه

ماده شانزدهم قانون منع آزار و اذیت زنان و اطفال در این باره احکام آتی را پیشنهاد نموده است ک

(۱)به منظور مبارزه با آزار و اذیت زنان و اطفال کمیته مبارزه با آزار و اذیت زنان و اطفال در شورای ولایتی و ولسوالی به ترکیب سه عضو از شورای ولایتی و ولسوالی در هر ولایت و ولسوالی ایجاد می گردد.

(۲) کمیته مبارزه با آزار و اذیت زنان و اطفال دارای وظایف و صلاحیتهای ذیل می باشد:

۱-دریافت شکایات مربوط به آزار و اذیت زنان و اطفال در ولایت یا ولسوالی مربوط.

۲- بررسی شکایات واصله.

۳- احاله شکایاتی که ایجاب تعقیب عدلی را می کند به مراجعه مربوطه بعد از تأییدی اکثریت اعضای کمیته.

۴-همکاری با شاکی در تعیین مساعد حقوقی .

جهت اطمینان از رسیدگی به موقع آنها.

۶- ارایه گزارش ربعوار به شورای مربوط.

در رابطه با تدویر بر نامه های آگاهی دهی از قانون منع آزار و اذیت زنان و اطفال می توان گفت که ماده ۲۸ این قانون در زمینه ذیلا صراحت دارد:»
اداره مکلف است به آگاهی از احکام این قانون بر نامه های لازم را برای کارکنان مربوط ، طرح و تطبیق نماید.

مقتن کشور ما در وضع قانون منع آزار و اذیت زنان و اطفال با اتخاذ تدابیر وقایوی و حمایتی از زنان حمایت نموده که امید واریم قوه اجراییه بتواند با اجرای این قانون با جلو گیری از اعمال خشونتهای فیزیکی ، اجتماعی، فرهنگی ، اقتصادی و روانی بوسیله مردان علیه زنان در راستای حاکمیت قانون گامهای مستحکمی را بردارند .

منابع و ماخذ:

قانون اساسی

قانون منع خشونت علیه زن

قانون منع آزار و اذیت علیه زنان واطفال

لغت نامه دخددا

فرهنگ سخن

کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زن

- تتبع ونگارش: گلالی سنگرخیل عزیزی

کشی، خود سوزی ،فرار از منزل، عهده مند شدن زنان در برابر خانواده ، جدایی وانزواطلبی در فرد را به بار می آورد واز دید اجتماعی ازد واج های اجباری باعث گسترش فساد اخلاقی نیز می گردد. در نهایت پیامد های ازدواج های اجباری غیر قابل چیران است.

دختران جوان رویا های زیادی برای آینده خود دارند با ازدواج اجباری به خواسته های خود نرسیده بلکه بعد از ازدواج به انتظارات ،وظایف ومحدودیت های جدی مواجه می شوند که انتظار آنرا نداشته است او مجبور از شوهر متابعت نماید دوستی هایش را محدود کند واز فعالیت های بیرون از منزل دست بکشد معمولاً جلوی تحصیل وپیشرفت او را گرفته وباید به کار های خانه رسیدگی کند. بسیاری از دختران که از خانه پدر یا شوهر فرار می کنند بی خبر ازآنکه چه آسیب های شدیدی در انتظار آنهاست . خیلی از انها مورد تجاوز قرار می گیرند وبه دلیل مختلف زندانی می شوند وپس اززندان ،خانواده اش ازقربات وی منکر واز تحویلش ننگ وعار میدارند وبی خانمان می گردند.

در اثر ازدواج اجباری فرزندی که به وجود می آیند اکثراً ناخواسته واز روی اجبار اند ودر یک خانواده آسیب دیده وبدون محبت بزرگ خواهند شد .
راهکار ها:

- از بین بردن رسم ورواج های ناپسند خلاف شریعت وقانون(پیروی از احکام قانون وشریعت اسلامی).

- دادن آگاهی از طریق ملا امامان مسجد ومدارس بشکل درست وآتچه را اسلام در مورد زنان گفته اند برای عامه مردم.

- دادن آگاهی از طریق گروهه ا یی ها و رسانه ها جمعی با نشر وبخش برنامه ها در مورد پیامد های ناگوار ازدواج های اجباری.

- مجازات نمودن عاملین ازدواج های اجباری .

- اتخاذ تدابیر جهت کاهش فقر وبیسوادی .

- توانمند ساختن زنان از لحاظ اقتصادی ومساعد ساختن زمینه های مناسب برای کار زنان .

از بررسی موضوع نتیجه گرفته می شود که ازدواج های اجباری خلاف شریعت وقانون بوده نتایج ناگواری را درپی دارد.جهت جلوگیری از آن والدین باید با رضایت فرزندان خود در ازدواج آنها توجه

نمایند.
منابع وماخذ :

احادیث نبوی.

قانون مدنی .

قانون منع خشونت علیه زن .

قاموس اصطلاحات حقوقی .

صاحب امتیاز: وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان

تحت نظر: هیئت تحریر

سردبیر: دردانه فضایی

هیئت تحریر: عبدالرحمن عظیمی، فیض الله خواجه امانی، گلالی سنگرخیل عزیزی،

دوست محمد عارف، شفیق الله نبي زاده، محمد عارف صباح

دیزاینر: ضیاگل سادات - ۷۴۴۵۳۴۹۸۶ (+۹۳)، ziaagulsadat123@gmail.com

گزارشگر: بشیر احمد عزیزی

آدرس: کابل وزارت عدلیه ریاست عمومی مساعدت های حقوقی

آدرس انترنتی: www.moj.gov.af پست الکترونیکی: agahi.hoqoqi@gmail.com

شماره تماس: ۲۷۵ ۰۴۲ ۷۵۲ (+۹۳) - ۳۳۸ ۰۳۴ ۷۰۰ (+۹۳)

ازدواج های اجباری

تتبع و نگارش: گلالی سنگرخیل عزیزی

ازدواج عقدی است که زندگی نمودن باهمی مرد وزن را به مقصد تشکیل خانواده در چوکات شریعت وقانون مشروع گردانیده ،حقوق وواجب را برای طرفین بوجود می آورد.

ماده ۶۶ قانون مدنی عقد ازدواج را ذیلآ بیان می دارد:"عقد ازدواج با ایجاب وقبول صریح که فوریت واستمرار را افاده کند بدون قید وقت در مجلس واحد صورت می گیرد."

قبل ازاینکه به بررسی ازدواج اجباری بپردازیم لازم است تا در مورد مفهوم واژه اجبار به نکات ذیل اشاره نمایم .

اجبار عبارت است از: انجام دادن کاری از طرف شخصی بالای شخص دیگری بدون آنکه دومی کوچکترین قصد و اختیاری در اجرای آن داشته باشد.اجبا ر به اشکال مختلف صورت میگیرد. مثلاً:

اجبار مادی :

فشار ی که قدرت عمل را از انسان سلب واو را مقهور قوای دیگری می سازد.

اجبار معنوی:

حالتی که فاعل تحت سُلطه احساس ترس ووحشت، ا اختیار را از دست بدهد.

اجبار معنوی بیرونی:

حالتی که در آن وادار کردن دیگری به ارتکاب جرم، با تهدید یا تخویف صورت میگیرد.

ازدواجهای اجباری درکشورما افغانستان از زمان های قبل رایج بوده وحالا هم به انواع واشکال مختلف وجود دارد. یکی ازناهنجارهای اجتماعی در جامعه ما عبارت از نامزادی وازدواج های اجباری است . که به انفشار های مختلف زنان وادار به ازدواج های اجباری می گردند . زیرا اکثراً واقع می گردد که والدین واولیای دختریا پسر، بدون اذن ورضایت دختر،وی را با دیگری نامزد می نمایند. در حالی که دختریا پسر بنابر دلایل مختلف نمی خواهد با جانب مقابل ازدواج نماید که باعث بروز ناملایمات مختلف و بالاخره به یک ازدواج ناکام می انجامد.

جامعه مایک جامعه سنتی بوده ودر اکثر موارد مردان تصمیم می گیرند . علت بنیادین ازدواجهای اجباری تهدید مادی ومعنوی اولیا دختر وپسر، ایجاد ارباب توسط قوماندانهای محلی، استفاده از نفوذ وارتباطات قومی ووضیعت خانواده ها از لحاظ (فقر، بیسودای وبی خری از احکام شریعت وقانون، سهل انگاری والدین موجودیت سنت های قبیلهوی وقومی،ضعف نفوذ دولت وعدم تطبیق قانون ...)می باشد. این نوع ازدواج ها نه تنها بالای دختران بلکه بالای پسران نیز تحمیل میشود که درانتخاب شریک زندگی شان آنها را مانع گردیده وبه ازدواج که خلاف رضایت آنها است وادار می گردند.

درحالی که در عقد ازدواج رضایت طرفین ازجمله ایط صحت آنبشمار می رود. از دواج های اجباری با عدم رعایت۷ترازی وموافقیت طرفین صورت می پذیرد که موجب ایجاد آثار ونتایج زیانبار می گردد، زیرا درازدواج های اجباری طرفین عقد از طرز تفکر همسان وهمگون برخوردار نبوده بنا این گونه ازدواج ها موجب ایجاد عدم علاقه زوجین نسبت به یک دیگر، عدم توافقی روحی، فکری، سلیقوی و.... می گردد در نتیجه موجب خود کشی، خودسوزی، فرار از منزل، جدایی ومصاب شدن یکی از طرفین به امراض روانی ویا انحرافات جنسی می گردد.

ازدواج های اجباری خلاف شریعت وقانون است چنانچه در مورد ماده بیست وششم قانون منع خشونت علیه زن نکاح اجباری را منع نموده مینگارد:

" هرگاه شخصی،زنی را که سن قانونی را تکمیل نموده بدون رضایت وی نامزد یا به عقد نکاح در آورد، حسب احوال به حبس متوسط که از دو سال کمتر نباشد محکوم، نامزادی ونکاح مطابق احکام قانون فسخ می گردد."

از احادیث متعدد پیامبر (ص) ثابت است که نامزدی وازدواج اجباری را مورد پذیرش قرارداده بلکه تقبیح فرموده است.طوریکه حضرت ابوهریره (رض) از پیامبر (ص) روایت می کند ومیگوید: یک نفر نزد پیامبر (ص) آمد وخبر داد که بازن انصاری ازدواج نموده است.پیامبر (ص) فرمود: (آیا او را نگاه کرده ای. عرض کرد خیر) فرمود برو او را نگاه کن چون چشم های انصار معیوب هستند).همچنین مغیره بن شعبه می گوید: زنی را خواستگاری نمودم ، پیغمبر (ص) فرمود: (او را نگاه کن، دیدن او موجب دوام روائط شما می گردد.

ادامه در صفحه ۳



هرنوع تبعیض وامتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است. اتباع افغانستان اعم از زن ومرد در برابرقانون دارای حقوق وواجب مساوی میباشند.

ماده 22 قانون

تجاوز جنسی

● تتبع و نگارش: فیض الله خواجه امانی

- ۴ – عفیف باشد یعنی به زنا مشهور نشده باشد.
- هرگاه شخصی با موجودیت شرایط فوق زنا نماید وزنا او توسط چهار نفر شاهد عاقل ، بالغ ، ومسلمان وعادل که عمل زنا را به چشم دیده باشد (کاالمیل فی المحکله) درینصورت مجازات آن سنگسار است.
- واما مجازات غیر محصین یا شخص مجرد مطابق - ماده (۶۴۴) کود جزاء ، مجازات جرم زنا را در حالت سقوط حد چنین وضاحت داده است:
- (۱) در حالت زناي تعزیری ، شخص قرار ذیل مجازات می گردد.
- ۱ – در صورتی که متاهل باشد به حبس متوسط بیش از دوسال.
- ۲ – در صورتی که متاهل نباشد، به حبس متوسط تا دوسال .
- { حبس متوسط در کود جزاء ، بیش از یکسال تا پنج سال است .}
- (۲) هرگاه اشخاص مندرج اجزای ۱ و ۲ فقره (۱) این ماده از جمله محرمات دایمی یا مؤ قتی یا مربی، معلم ، یا آمر یکدیگر بوده یا به نحوی از انحا بالای یکدیگر نفوذ و اختیار داشته باشند، به حبس طویل تا هفت سال ، محکوم می گردند.
- تجاوز به عفت وناموس زن
- ماده (۶۴۰) کود جزاء، در رابطه به تجاوز به عفت وناموس زن مینگارد:
- (۱) شخصی که مرتکب تجاوز به عفت وناموس زن گردد، ولی تجاوز وی منجر به دخول در قبل و ذُبر نگردد بلکه منجر به تفخیز ، مساحقه یا تماس جنسی گردد، به حبس طویل تا هفت سال ، محکوم می گردد.
- (۲) امر اجرای معاینات عدلی طبی پرده بکارت بدون رضایت زن یا حکم محکمه ای ذیصلاح ممنوع بوده ، مرتکب به حبس قصیر، محکوم میگردد .
- { حبس قصیر در کود جزاء ، از سه ماه تا یکسال است .}
- (۳) هرگاه عمل مندرج فقره (۲) این ماده با استفاده از زور ، تهدید یا ارباع انجام داده شود ، مرتکب به حبس متوسط ، محکوم میگردد.»
- در رابطه به تجاوز جنسی به شکل گروهی، ماده (۶۴۱) کود جزاء ، چنین صراحت دارد :
- ادامه در صفحه ۳**

- حالات مشدده در جرم تجاوز جنسی
- حالات مشدده تجاوز جنسی در ماده (۶۳۹) کود جزاء بدین شرح آمده :
- « (۱) ارتکاب تجاوز جنسی در حالات ذیل مشدده شناخته شده، مرتکب به مجازات حبس دوام درجه ۲ ، محکوم می گردد.
- { حبس دوام درجه دو در کود جزا ، بیش از شانزده سال تا بیست سال در نظر گرفته شده است .}
- ۱ – مجنی علیه طفل باشد .
- ۲ – مرتکب ، با ارتکاب عمل جنسی باعث اسقاط جنین شده باشد.
- ۳ – مرتکب به نحوی بالای مجنی علیه نفوذ واختیار داشته باشد .
- ۴ – مجنی علیه به اثر عمل تجاوز جنسی حامله شده باشد.
- ۵- عمل تجاوز جنسی سبب ایجاد مجروحیت یا صدمه شدید روحی به مجنی علیه گردیده باشد.
- ۶ – عمل تجاوز جنسی منجر به امراض مقاربت جنسی گردیده باشد.
- ۷ – مجنی علیه از جمله محارم دایمی یا موقتی متجاوز باشد.
- (۲) هرگاه درنتیجه تجاوز جنسی مجنی علیه فوت نماید، مرتکب به اعدام ، محکوم می گردد.
- قبلاً تذکر دادیم که اکثریت مردم تجاوز جنسی را با زنا یکی میدانند، درحالیکه تفاوت های زیادی در بین شان وجود دارد، گرچند درفوق تفاوت های موجود کمی وضاحت داده شد اما غرض فهم بیشتر لازم است تا بعضی از موضوعات مرتبط به زنا را از دیدگاه شرع و کود جزاء تذکر دهیم:
- مجازات شرعی جرم زنا :**
- در جرم زنا دوحالت مد نظر گرفته می شود:
- ۱- شخصیکه محصین (متاهل) می باشد.
- ۲ – شخصی غیر محصین (مجرد) است.
- شرط احصان:**
- ۱ – محصین کسی را گفته می توانیم که به اساس ازدواج صحیح با زوجه خویش بالفعل مقاربت جنسی را انجام داده باشد.
- ۲ – شخصی عاقل وبالغ باشد .
- ۳ – مسلمان باشد .

- اکنون مجازات تجاوز جنسی را از دیدگاه قوانین مرتبط به موضوع تحت بررسی قرار میدهیم:
- ازینکه موضوعات مندرج قانون جزاء که در قانون منع خشونت به آنها اتکا شده بود، نظر به فرمان شماره (۲۵۹) تاریخ ۱۲ / ۱۲ / ۱۳۹۶ رئیس جمهور تعدیل وبه کود جزاء رجعت داده شده بنا در ذیل تعریف ومجازات که در کود جزاء، در مورد تجاوز جنسی درنظر گرفته شده تذکر داده خواهد شد.
- تجاوز جنسی را کود جزاء ، در ماده (۶۳۶) چنین تعریف کرده است:
- « (۱) شخصی که با جبر یا سایر وسایل ارباع آمیز یا تهدید یا با استفاده از ناتوانی جسمی یا روا نی مجنی علیه یا ناتوانی ابراز رضایت مجنی علیه اعم از زن یا مرد یا خورائیدن دواي بیهوش کننده یا سایر وسایل زایل کننده عقل وی ، عمل مقاربت جنسی را انجام دهد یا اعضای بدن یا اشیایی دیگر را در قبل یا ذُبر وی داخل نماید، مرتکب تجاوز جنسی شناخته می شود.
- (۲) هرگاه در جرم تجاوز جنسی شرایط تطبیق جزای حد موجود نگردد یا به علت شبهه ویا یکی از اسباب دیگر حد ساقط گردد، مرتکب مطابق احکام این فصل، مجازات می گردد.
- مجازات تجاوز جنسی:**
- مجازات تجاوز جنسی را کود جزاء در ماده « مرتکب جرم تجاوز جنسی به حبس طویل ، محکوم می گردد ،»
- { حبس طویل در کود جزاء ، بیش از پنج سال تا شانزده سال در نظر گرفته شده است .}
- در رابطه به عدم اعتباررضایت طفل ماده (۶۳۸) کود جزاء ،چنین تذکر میدهد:
- : هرگاه مردی باشخص زیر سن قانونی مقاربت جنسی را انجام دهد، عمل وی تجاوز شناخته شده ورضایت مجنی علیه قابل اعتبار نمی باشد.»

- اکثریت مردم تجاوز جنسی را با زنا یکی میدانند در حالیکه تجاوز جنسی به عملی گفته میشود که عمل مقاربت جنسی از طرف مرد بالای زن به شکل جبری وبدون رضایت زن به اکراه وتهدید واستفاده از زور عملی گردد. اما جرم زنا عبارت است از عمل جنسی مرد وزنی که بین شان رابطه نکاح یا شبه آن موجود نباشد. یا تعریف دیگریکه از زنا در کود جزاء آمده، زنا عبارت است ازمقاربت جنسی زن ومردی که بین آنها رابطه زوجیت موجود نباشد. تجاوز جنسی را در زبان عربی (اغتصاب) می نامند، اغتصاب از کلمه غصب گرفته شده است
- غصب در لغت گرفتن چیزی را به عنف وزور می گویند ، چنانچه گفته می شود: « غصب فلاناً علی الشی » یعنی فلان شخص را به کار مجبور نمود. به مرور زمان این کلمه به شکل مجازی به مقاربت جنسی عنف ونا مشروع اطلاق گردید.
- بنآ تجاوز جنسی عبارت است از مقاربت جنسی نا مشروع تحت اثر جبر واکراه چه از راه فرج باشد یا ذُبر .
- در رابطه به مجازات تجاوز جنسی در فقه دو دید گاه وجود دارد:
- « الف –دیدگاه اول اینست که جزای تجاوز جنسی همانا جزای زنا است. یعنی برای محصین سنگسار وبرای غیر محصین صد دره است . دلیل اکثر علماء ، خصوصاً علمای مذهب حنفی اینست که تجاوز جنسی نوع از زنا یا لواط است که باید متجاوز مطابق جزای پیش بینی شده جرایم فوق الذکر مجازات شود زیرا در شریعت کدام احکام خاص در رابطه به تجاوز جنسی در نظر گرفته نشده است.
- ب – دید گاه دوم در رابطه به مجازات تجاوز جنسی که علماء عربستان سعودی بدان نظر داده اند همانا تجاوز جنسی را تحت حکم حرايه داخل نموده اند، وطرفدار تطبیق مجازات حرايه بالای متجاوز جنسی هستند.

خارنوالی ومحکمه مکلف اند، قضیه خشونت را در اولویت قرارداده وبه اسرع وقت رسیدگی نمایند.

قانون منع خشونت: ماده هفتم فقره ۴